

چگونگی شکل‌گیری نقشه سیاسی



آسیای مرکزی

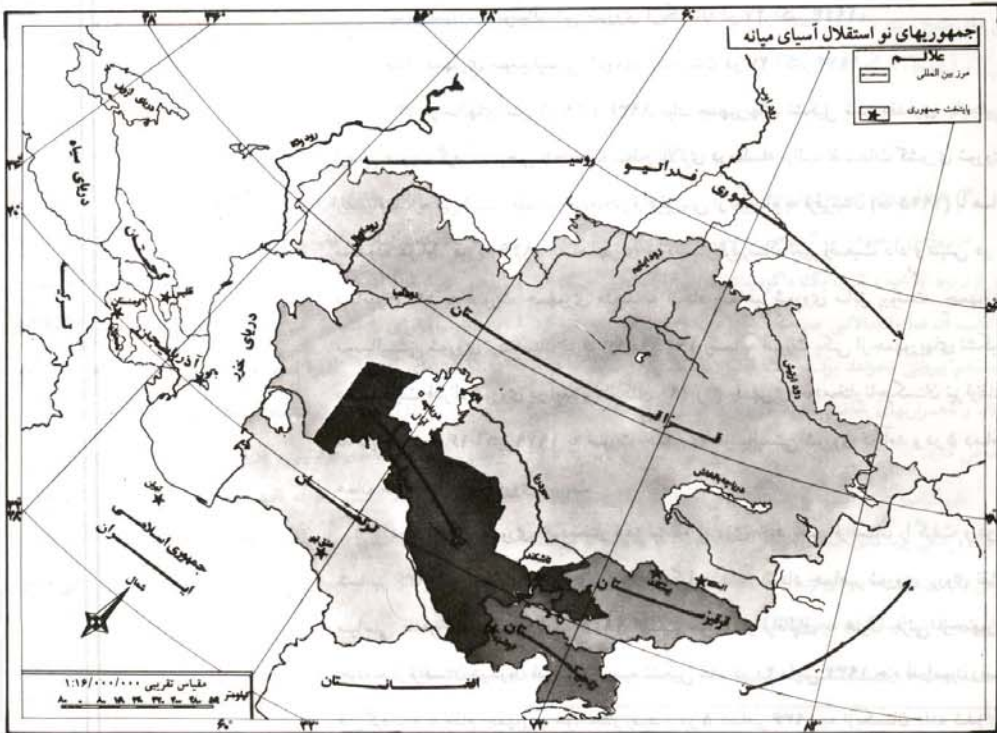
دکتر دژه میرحیدر

نقشه سیاسی امروز آسیای مرکزی با مرزهایی که پنج کشور مستقل قزاقستان، قرقیزستان،

تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان را از یکدیگر جدا می‌سازند در نیمه اول قرن بیستم بتدریج در

سه مرحله شکل گرفته است: (نقشه شماره ۱)

نقشه ۱ نقشه راهنمای اصلی موقع نسبی جمهوریهایی نو استقلال آسیای میانه و کشورهای همسایه آنها





اولین واحد سیاسی با مرزهای امروزی در ۲۶ اوت ۱۹۲۰ تحت عنوان جمهوری خودمختار قرقیز به عنوان جزئی از تقسیمات داخلی فدراسیون روسیه به وجود آمد. این واحد سیاسی قلمرو قزاقها را دربر می‌گرفت و اطلاق نام قرقیز به آن بدان سبب بود که روسها تا مدت‌ها قزاقها را قرقیز اطلاق می‌کردند تا با قوم کازاک که در اطراف قلمرو قزاقها پراکنده بودند اشتباه نشود و قرقیزهای واقعی را که در بخش شمالی کوههای تیانشان زندگی می‌کردند قراقرقیز می‌خواندند(۱).

۲) سال ۱۹۲۴ را به دلیل دگرگونی اساسی که در نقشه سیاسی آسیای مرکزی پدیدار شد باید از نظر جغرافیای سیاسی منطقه سال سرنوشت ساز نامید. در این سال بود که غالب کشورهای مستقل امروزی براساس خطوط قومی، زبانی ریخته شد و به این ترتیب چهار واحد سیاسی دیگر با حدود و ثغور مشخص، زبان رسمی مکتوب و تشکیلات دولتی و منافع اقتصادی خاص خود به وجود آمدند این واحدهای سیاسی به ترتیب تاریخ تشکیل عبارت بودند از:

الف) جمهوری خودمختار سوسیالیستی شوروی تاجیک در ۱۴ اکتبر ۱۹۲۴ زیر نظر

جمهوری ازبکستان،

ب) ابلست^۱ خودمختار قراقرقیز در ۱۴ اکتبر ۱۹۲۴ زیر نظر فدراسیون روسیه،

پ) جمهوری سوسیالیستی شوروی ازبکستان در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴،

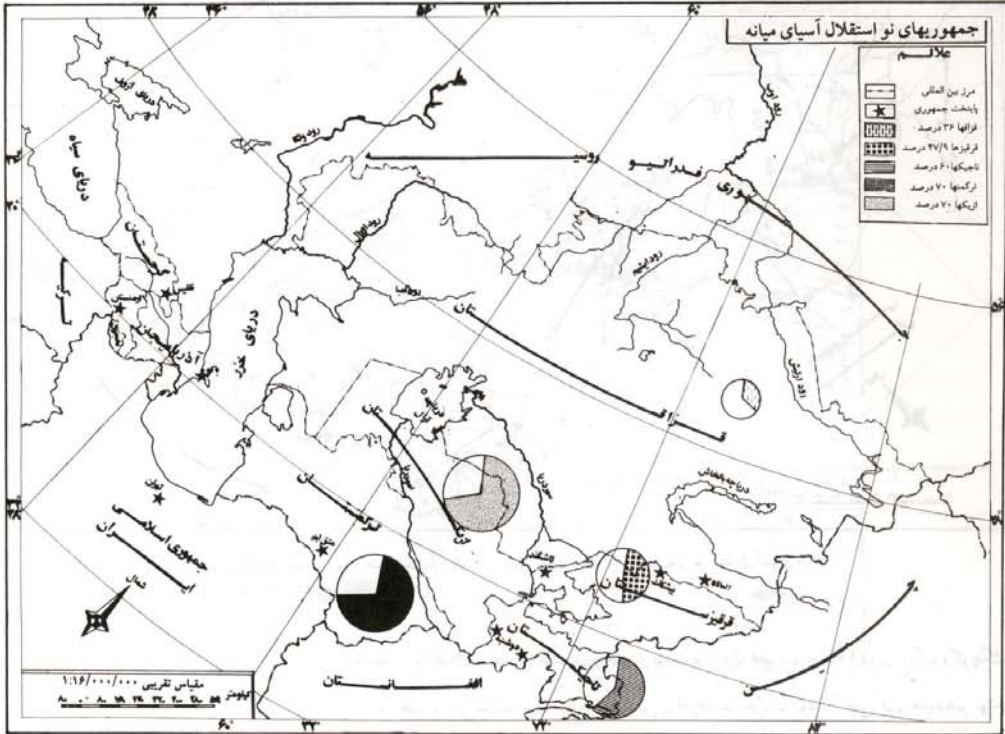
ت) جمهوری سوسیالیستی شوروی ترکمنستان در ۲۷ اکتبر ۱۹۲۴،

۳) در سالهای بین ۱۹۲۵ و ۱۹۳۶ میان جمهوریهای تشکیل شده مقداری جابجایی ارضی صورت گرفت و برخی واحدها به سطح بالاتری در سلسله مراتب تقسیمات کشوری شوروی ارتقاء یافتند. به این ترتیب ابلست خودمختار قراقرقیز پس از تغییر نام به قرقیزستان (مه ۱۹۲۵) با همان محدوده در اول فوریه ۱۹۲۶ به جمهوری خودمختار قرقیزستان تغییر وضعیت داد و سپس در ۵ دسامبر ۱۹۳۶ به صورت جمهوری متحد به اتحاد جماهیر شوروی سابق پیوست. جمهوری سوسیالیستی شوروی ترکمنستان نیز در ۱۳ مه ۱۹۲۵ رسماً به صورت یکی از جمهوریهای تشکیل دهنده دولت فدرال شوروی درآمد (بریتانیکای ۹۰). (۲). جمهوری خودمختار تاجیکستان نیز ارتقای مقام یافت و در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۹ به صورت جمهوری سوسیالیستی شوروی درآمد و در ۵ دسامبر همان سال به اتحاد شوروی پیوست.

در ۱۹۲۵ جمهوری خودمختار قرقیز نیز نام امروزی خود یعنی قزاقستان را گرفت و در ۵ دسامبر ۱۹۳۶ به صورت جمهوری متحد تشکیل دهنده اتحاد جماهیر شوروی بر روی نقشه سیاسی ظاهر گشت. در ۱۱ مه ۱۹۲۵ ابلست خودمختار قزاقالپاق به عنوان جزئی از جمهوری خودمختار قزاقستان در درون فدراسیون روسیه تشکیل شد. در ۲۰ مارس ۱۹۳۲ جزء فدراسیون روسیه قرار گرفت و به مقام جمهوری خودمختار رسید و در ۵ دسامبر ۱۹۳۶ به ازبکستان داده شد (۳).



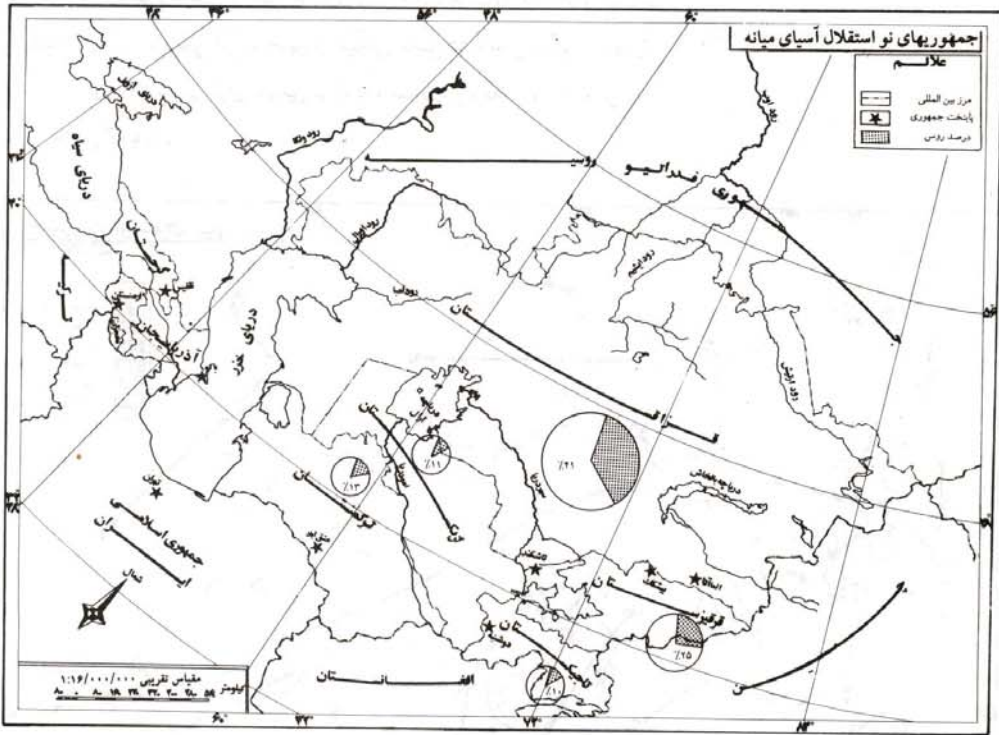
در ۱۹۶۳ با انتزاع بخشی از استپ‌ها نگری (۸/۵ میلیون جریب) از قزاقستان و انتقال آن به ازبکستان در وضعیت ارضی این دو جمهوری تغییراتی حاصل شد و محل مرز میان جمهوریها تغییر کرد (۲). در ۱۹۷۱ بخشی از این سرزمین دوباره به قزاقستان پس داده شد و باز در محل مرزها تغییراتی حاصل گردید (۴).



نگاره ۲ نمایش درصد قومینهای اصلی و مسلمانان در جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه

● سابقه تاریخی، بررسی نقشه سیاسی آسیای مرکزی در قرن نوزدهم

در قرن نوزدهم آسیای مرکزی طی سه مرحله به زیر سلطه روسها درآمد (نقشه شماره ۳).
مرحله اول در سالهای ۱۸۵۵ - ۱۸۱۶ که عمدتاً قلمرو قزاقها و قرقیزها را در برمی گرفت (۵).
مرحله دوم در سالهای ۷۶ - ۱۸۵۶ یعنی قلمرو ازبکها و تاجیکها و ترکمنها بود.
در مرحله سوم در سالهای ۱۹۱۴ - ۱۸۷۷ که عمدتاً قلمرو قبایل ترکمن را در برداشت.
تا قبل از سلطه روسها بر آسیای مرکزی، تشکیلات قبیله ای و حکومت های خانخانی و امیرنشینیه اشکال عمده سازماندهی سیاسی منطقه را تشکیل می دادند: قزاقها که در مقایسه با



نگاره ۳ نمایش درصد روسها به عنوان یکی از ترکیبات قومیتی غیرمسلمان در جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه

ترکمنها از تشکیلات اداری معتبری برخوردار بودند و از قرن هفدهم به سه اردوی بزرگ و کوچک و متوسط تقسیم می شدند میان دو رود ایرتیش و اورال در حرکت بودند. طی قرن هجدهم مهاجم مکرر قزاقها به مناطق شهرنشین اطراف باعث شده بود که روسها با هدف به انقیاد در آوردن قزاقها توسعه امپراتوری به تاسیس پایگاههایی در شمال قزاقستان اقدام نمایند و در قرن نوزدهم با استفاده از همین پایگاهها موفق شدند قزاقها و قرقیزها را جزء امپراتوری دریاورند. در قرن نوزدهم همچنین مهاجرت روسها و اسلاوها به منطقه آسیای مرکزی به صورت برنامه ریزی شده افزایش یافت. به این ترتیب تا نیمه اول قرن نوزدهم روسها موفق شدند قلمرو قزاقها را تا سیر دریا از دست خانها و سلاطین بیرون بیاورند.

در جنوب قلمرو قزاقها، خانان کوچک و خودمختار خوقند، خیوه و بخارا قرار داشتند. ابتدا شهریانگی (جامبول امروزی) به عنوان پایگاه در ۱۸۶۴ به تصرف روسها درآمد، سپس تاشکند در ۱۸۶۵، خجند در ۱۸۶۶، بخارا و سمرقند در ۱۸۶۸، خانان خیوه در ۱۸۷۳ و خوقند در ۱۸۷۶



تسخیر شدند(۶). در این زمان بود که فرمانداری کل ترکستان مشتمل بر ابلستهای سیر دریا، سسی ریج، سمرقند، فرغانه و خجند تشکیل یافت و شهر تاشکند مراکز اداری آن گردید.
خانان خیوه با امضاء یک قرارداد تحت حمایتی روسیه را پذیرفت و تا سال ۱۹۲۰ در اداره امور داخلی خود آزاد بود. امیرنشین بخارا نیز به صورت تحت حمایتی در آمد و حکومت محلی تا سال ۱۹۲۰ برسرکار بود.

از میان سه خانان فوق الذکر فقط خوقند در ۱۸۷۶ کاملاً به تصرف روسها در آمد و ضمیمه ابلست فرغانه و در نتیجه جزئی از فرمانداری کل ترکستان شد. قبایل ترکمن که از اوایل قرن هجدهم در مانقیشلاق، بوست اورت و تقریباً تمامی ترکمنستان فعلی پراکنده بودند و تشکیلات قبیله ای و طایفه ای داشتند در اوایل قرن نوزدهم قیامهایی علیه حکومت ایران و نمایندگان شاه ایران در خراسان و استرآباد و علیه خانهای خیوه و بخارا نموده و با تشکیل کنفدراسیون قبیله ای ترکمن موفق شدند قشون خیوه و ایران را در ۱۸۵۵ نزدیک سرخس و در ۱۸۵۸ نزدیک قراقلمه و در ۱۸۶۱ نزدیک مرو شکست دهند. اولین اقدام روسها برای به انقیاد در آوردن ترکمنها تاسیس قلعه کراسنودسک در ساحل شرقی دریای خزر در سال ۱۸۶۹ بود ولی پیشروی قوای روس به تمامی منطقه ترکمنستان به آسانی صورت نگرفت. در حالی که ترکمنستان غربی به طور داوطلبانه جزء روسیه شد قبیله تکه که ساکن واحه آخال بودند همراه با قبیله پموت مقاومت سرسختانه ای نسبت به قوای روس به فرماندهی اسکولف از خود بروز دادند. ولی با سقوط گوگ تپه در ۱۸ ژانویه ۱۸۸۱ و قتل عام تکه ها ده اشک آباد (عشق آباد امروزی) به تصرف روسها در آمد و تا سال ۱۸۸۵ واحه های اترک، تجن، مرو و پنج ده به طور داوطلبانه به روسیه ملحق شدند. ابلست ماورای خزر که مرکز اداری آن عشق آباد بود در ۱۸۸۲ تشکیل شده بود در سالهای ۹۷ - ۱۸۹۰ جزء کرای ترکستان در آمد(۷).

پیشروی ممتد روسیه به طرف جنوب انگلیسها را نگران موقعیت خود در شبه قاره هند نمود و در اینجا روسها با مقاومت قوای انگلیس مواجه شدند و جنگ میان دو کشور شروع شد. پس از یک دوره جنگ و خونریزی سرانجام در سال ۶ - ۱۸۹۵ دولتهای روس و انگلیس بر سر تعیین حدود مرزهای شمال افغانستان توافق کردند و کمیسیون مشترک مرزی دو دولت خط مرزا در امتداد رود پنج تعیین کرد. مرز میان ایران و روس نیز که طبق قراننامه آخال در ۱۸۸۱ تعیین شده بود به این ترتیب حد جنوبی توسعه ارضی روسیه مشخص گردید. در نتیجه این مرزبندی نیز تاجیکهای منطقه کوهستانی در دو طرف مرز بین الملل از یکدیگر جدا افتادند(۷).

نقشه سیاسی آسیای مرکزی در فاصله سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۳: در شش سال اول حیات، رژیم تازه شوروی سعی بر حفظ واحدهای سیاسی زمان تزار که بر اساس ضوابط تاریخی -



جغرافیایی شکل گرفته بودند نمود. مهمترین علت برای اخذ چنین سیاستی مشکلاتی بود که برای بقای رژیم جدید توسط نیروهای سفید به وجود آمده بود. در فاصله سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۲۱ آسیای مرکزی میان نیروهای سفید و سرخ تقسیم شد و چند جمهوری سفید در مقابله با بلشویکها به وجود آمدند (۶). (لیدولف، ۱۹۷۰). شرکت ناسیونالیست ها همراه با علمای مسلمان و گارد روسهای سفید در یک کشمکش مسلحانه علیه قدرت شوروی موجب شد که در چهارمین کنگره فوق العاده منطقه ای مسلمانان که در ۲۶ تا ۲۹ نوامبر ۱۹۱۷ در خوقند تشکیل شده بود خودمختاری ترکستان اعلام گردد و یک حکومت ملی به نام حکومت خودمختار خوقند نیز تشکیل شود. در نیمه دوم فوریه ۱۹۱۸ ملیون در مقابله با نیروی سرخ شکست خوردند و کنگره پنجم شوراهای کرای که در آوریل ۱۹۱۸ تشکیل شد و ناسیونالیستهای بومی در آن به طور چشم گیری شرکت داشتند تشکیل جمهوری خودمختار سوسیالیستی شوروی ترکستان را در داخل فدراسیون روسیه اعلام کرد. در این تشکیلات جدید به نمایندگان مردم بومی پستهای حکومتی برای اداره امور واگذار شد (۱۱).

در آوریل ۱۹۲۰ نیروهای ارتش سرخ پس از سرنگونی دولت تحت الحمایه خویه موجودیت جمهوری خلق خوارزم را اعلام کردند. در سپتامبر ۱۹۲۰ قدرت شوروی در بخارا مستقر شد و بعد از مدت کوتاهی جمهوری خلق بخارا نیز موجودیت یافت. نهضت‌های مردمی بویژه نفوذ علمای مسلمان زمینه مناسبی برای قیام باسماچی فراهم آورد که از طرف انگلیسها نیز حمایت می‌شد. وزیر جنگ دولت عثمانی انورپاشا در اکتبر ۱۹۲۱ وارد بخارا شد و خواستار وحدت تمام مسلمین در یک دولت واحد اسلامی گردید. وی توانست واحدهای پراکنده و نامنظم باسماچی را به یک ارتش منظم و قدرتمند (۱۶۰۰۰ نفر) تبدیل کند و در ابتدای سال ۱۹۲۲ بخش اعظم جمهوری خلق بخارا را تصرف نماید. قیام باسماچی یک خطر عظیم برای سلطه شوروی در ترکستان به شمار می‌رفت. بنابراین فرونشاندن قیام باسماچی در صدر برنامه های کمیته مرکزی قرار گرفت و به این ترتیب فرماندهان نظامی به طرف تاشکند اعزام شدند تا قیام را سرکوب نمایند. در تابستان ۱۹۲۲ قشون سرخ نیروهای انورپاشا را شکست دادند ولی بقایای این نیرو در خاک ایران و افغانستان پناه گرفته و از آنجا حملاتی را به طرف نیروهای سرخ سازماندهی کرد ولی تا سال ۱۹۲۶ بکلی سرکوب شد (۷).

به این ترتیب نقشه سیاسی آسیای مرکزی در آستانه سال ۱۹۲۴ تشکیل شده بود از: (نقشه

شماره ۴)

۱) جمهوری خودمختار قرقیز (قزاقستان امروز)؛

۲) جمهوری خلق خوارزم؛

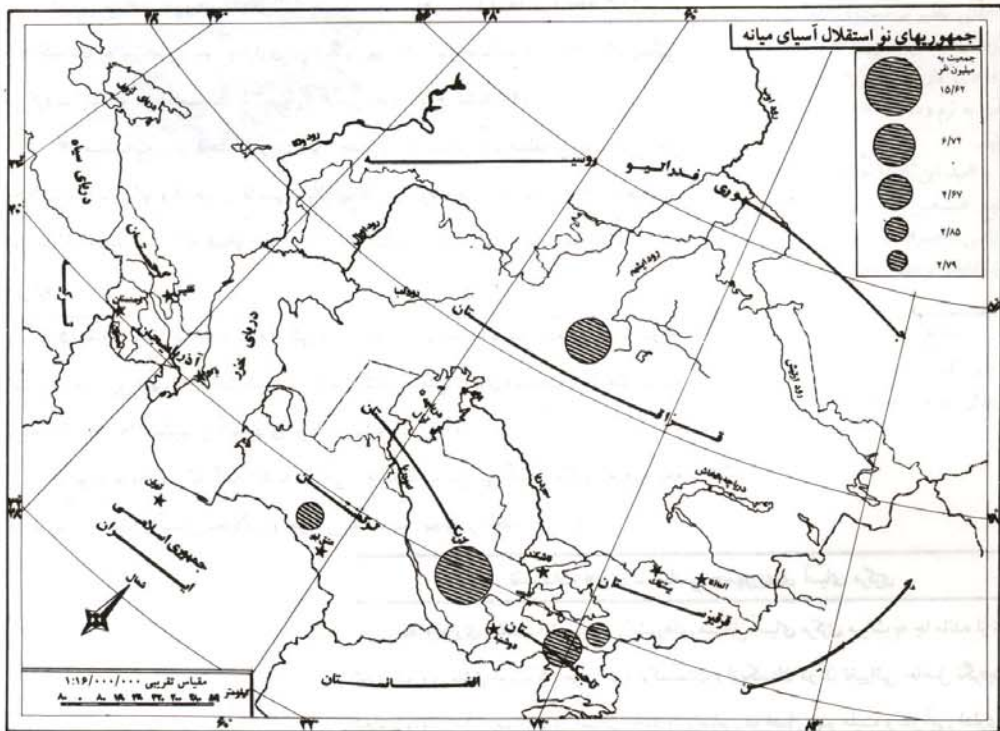
۳) جمهوری خلق بخارا؛



۴) ترکستان که شامل بخشهایی از جمهوریهای امروزی قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان می‌گردد.

در طی این مدت شورویها متوجه شده بودند که انسجام ملت مسلمان می‌تواند سیطره روسها را بر اتحاد شوروی به مخاطره بیاندازد ضمن اینکه تحت تأثیر آموزه علمی (مارکسیسم - لنینیسم) هدف ایجاد یک انسان شوروی نوینی بوده که از قیدوبند گذشته رها شده باشد. بنابراین یکی از راههای عملی که می‌توانست در نیل به این مقصود کارساز باشد ایجاد تفرقه میان ملت مسلمان و یا تجزیه ترکستان بود.

ایجاد مرزهایی بر اساس خطوط قومی - زبانی که می‌توانست واحدهای جدیدی به وجود آورده اقوام و قبایل را مستقیماً با حکومت مسکوم متصل سازد یکی از استراتژیهای بوده که مورد قبول واقع شد. اما این واحدهای جدید گرچه ظاهراً براساس اکثریت قومی متشکل شدند پراکندگی اقوام مختلف ازبک، قرقیز، قزاق و ترکمن به گونه ای نبود که امکان خط کشیدن به دور آنها میسر باشد. در نتیجه در هر یک از واحدهای به وجود آمده یک اکثریت قومی و در مقابل اقلیتهای



نگاره ۴ تعداد تقریبی کل مسلمانان در هر یک از جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه در سال ۱۹۹۰ میلادی



متعددی از بومی و غیر بومی جای داشتند. نتیجه اینکه هراز چندگاه مناقشات مرزی و ارضی و تضاد میان بومی و غیر بومی رخ می نمود. چنین وضعی را در چندسال گذشته در خونریزیهای شدید فرغانه و اووش، تظاهرات خونین در آلمانا و دوشنبه و منازعات مسلحانه در مراتع پایکوههای پامیر-آلابی و میدانهای نفتی نوری عوزن^۱ مشاهده کردیم (۹).

مسبب تمام این تصادمات قومی را باید در عدم استقرار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که ریشه ای عمیق در گذشته دارد دانست. عوامل دیگری که به بدتر شدن اوضاع به ویژه در جمهوریهای آسیایی کمک می کند، عبارت اند از:

۱) گوناگونی ترکیب جمعیت در دره فرغانه، سرزمینهای متصل به دریاچه عیسی گل و سمیرچه ای که یک سرزمین تاریخی واقع در جنوب شرقی قزاقستان و شمال قرقیزستان می باشد و به دلیل جریان ۷ رودخانه در منطقه به این نام معروف گشته است.

۲) خاطرات سرزمینهای تاریخی برای اقوامی که از آنجا بیرون رانده شده اند. به عنوان مثال گروههای بزرگی از ترکمنها زمانی در شبه جزیره مانقشلاق قزاقستان زندگی می کردند و خاطرات این سرزمین تاریخی برای آنها عزیز است. گروهی از قرقیزها در منطقه کاراتزین در تاجیکستان به سر می بردند. بسیاری از ازبکها نزدیک شهر چیمکنت در قزاقستان زندگی می کردند. اینها به دلایل سیاسی از سرزمین اصلی خود اخراج شدند (۹).

۴) مناقشات برسر فرهنگ و سنتهای اجدادی. به عنوان مثال منطقه سرخان دریا محل اختلاف بین تاجیکها و ازبکهای فارسی زبان است. در جریان مرزبندی سال ۱۹۲۴ تاجیکهای این منطقه مجبور شدند به عنوان ازبک ثبت نام کنند و در غیر این صورت باید منطقه را ترک می کردند.

۵) تقاضا برای خودمختاری فرهنگی و اداری و اعاده حیثیت توسط مردمانی که در دوران استالین بدون دلیل متهم به خیانت شدند و بعد تیره گردیدند مثل ترکهای مسختی، تاتارهای کریمه کردها، کره ای ها، آلمانها و آشوریهای عیسور (نقشه شماره ۴).

با توجه به مطالبی که گفته شد به نظر می رسد که نقشه سیاسی آسیای مرکزی به هیچ وجه تثبیت شده نیست و آستان تحولات و حوادثی است که آینده آترا معلوم می دارد.

تقسیمات اداری - سیاسی جمهوریهای آسیای مرکزی

نظام اداری و تقسیمات سیاسی کشورهای مستقل آسیای مرکزی میراث به جا مانده از نظام اتحاد شوروی سابق است که جز در مورد ترکمنستان و ازبکستان در آن تغییراتی حاصل نگردیده؛ اتحاد شوروی سابق سرزمینهای آسیایی خود را براساس دو اصل مهم ملیت و کارآیی اداری در دهه ۱۹۳۰ سازماندهی مجدد کرد (۴).



بر اساس ضابطه ملیت چهارنوع طبقه بندی صورت گرفت که اهمیت آنها از بالا به پایین به تدریج کاسته می‌شود. این تقسیمات عبارت بودند از:

۱) جمهوریهای متحد که از نظر اهمیت در بالاترین سطح قرار داشتند و امروز به صورت کشورهای مستقل در آمده‌اند. این جمهوریها دربرگیرنده یک ملیت مهم هستند که نام آنها در جمهوری منعکس شده است و ملیتی که تصور می‌شود از نظر اجتماعی و سیاسی به اندازه کافی پیشرفته هستند و قادر به اداره امور خود می‌باشند و به همین دلیل حق برقراری رابطه با یک کشور خارجی و حق جدا شدن از اتحاد شوروی را دارا بودند (۴) و (۱۲). هر چند هرگز اجازه نیافتند که از این حق استفاده کنند تا زمانی که شوروی خود از هم فروپاشید. ضمناً تمامی این جمهوریهای متحد دارای مرز بین المللی با یک کشور خارجی بودند.

۲) جمهوریهای خودمختار: این تقسیمات هنوز هم در داخل جمهوریهای مستقل امروزی وجود دارند. تعداد کل آنها ۲۰ جمهوری است که ۱۶ مورد آن در جمهوری فدراتیو روسیه، یک جمهوری خودمختار در ازبکستان (قراقالباق)، یک جمهوری خودمختار در آذربایجان (نخجوان) و دو جمهوری خودمختار در گرجستان وجود دارد (ابخازستان و آجارستان). این جمهوریها دربرگیرنده ملیتهایی هستند که به نظر می‌رسد هنوز به اندازه کافی رشد سیاسی و اجتماعی پیدا نکرده‌اند تا در ردیف جمهوریهای متحد باشند ولی در ورای محدوده حقوقی جمهوری متحد می‌توانند در قلمرو حاکمیت خود مستقلاً به حل مسائل خویش بپردازند و صاحب قانون اساسی خاص خود که با ویژگیهای جمهوری‌ها سازگاری دارد باشند.

۳) استان خودمختار A.O.: این تقسیم بندی می‌تواند هم بخشی از جمهوری متحد و هم جزئی از سرزمین (کرای) باشد. در این گونه استانها قوانین بنا به پیشنهاد نمایندگان شورای مردمی و تصویب شورایعالی جمهوری متحد قابل اجراست. از هشت استان خودمختار، ۵ مورد در جمهوری فدراتیو روسیه، یکی در گرجستان (اوستی جنوبی)، یکی در آذربایجان (ناگورنو قراباغ) و یکی در تاجیکستان (گورنوبدخشان) وجود دارند.

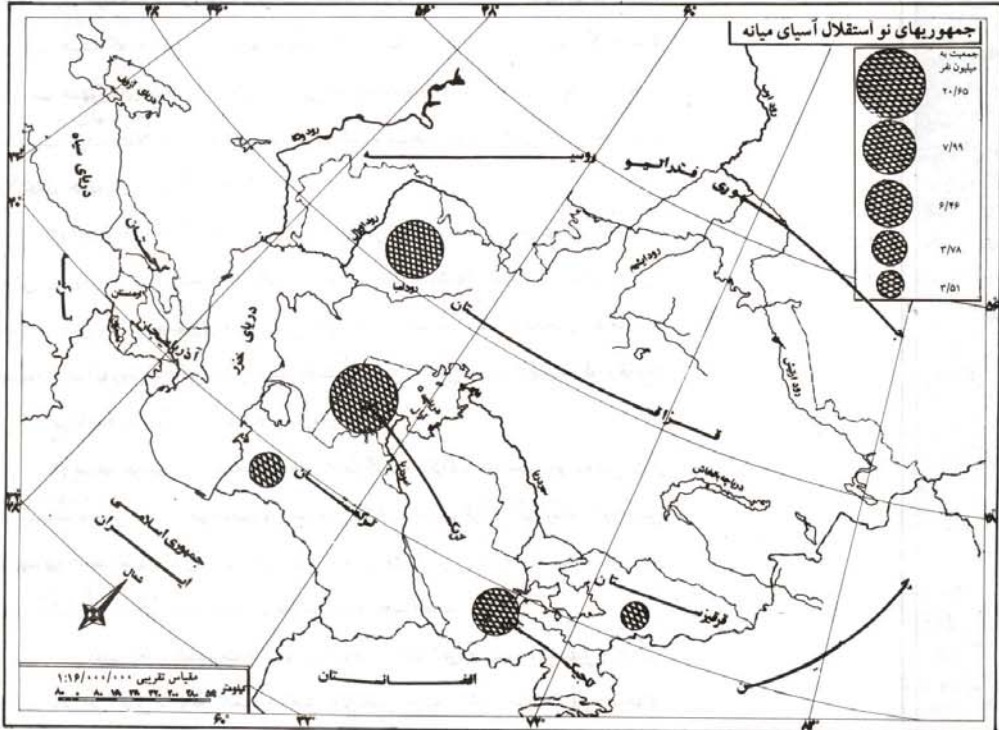
۴) منطقه خودمختار: منطقه خودمختار که در گذشته اوکراگ خودمختار خوانده می‌شد از تقسیمات داخلی استان خودمختار و یا سرزمین (کرای) است. قوانین آن توسط شورایعالی جمهوری متحد تنظیم و تدوین می‌گردد و در اتحاد شوروی سابق رویه‌رفته ده منطقه خودمختار وجود داشت که همگی جزء جمهوری فدراتیو روسیه باقیمانده‌اند.

اصل دومی که در تقسیمات کشوری مورد توجه مقامات شوروی سابق بود تسهیل و کار آبی اداری بود. این اصل در واقع تابعی از اصل اول یعنی ملیت به شمار می‌رفت ولی طرحهای اقتصادی در قالب این تقسیمات دومی ریخته می‌شد. بنابراین به موازات تقسیمات اول تقسیمات



دیگری وجود دارد که ضابطه آن اقتصادی و اداری است. در این نوع تقسیم بندی که تغییرات مرزی آن به مراتب بیشتر از تغییرات مرزی طبقه بندی ملیتهاست واحدهای ابلست، کرای، ریون و شهرداری قرار دارند. تفاوت میان ابلست و کرای در اینجا اینست که کرای دارای ابلست خودمختار است ولی ابلست شامل ابلست خودمختار نمی شود (۱۱).

در این تقسیم بندیها ملاحظه می شود که ایدئولوژی مارکسیستی از یک طرف خواهان خودمختاری ملی بوده است و از طرف دیگر معتقد بوده که ساختار سیاسی باید بازتاب ساختار اقتصادی باشد. اعتقاد به اصل شناسایی سیاسی گروههای ملی موجب می شود که مرزهای داخلی ثابت بمانند در حالی که ضوابط اقتصادی مرزهای سیاسی یک کشور در حال توسعه باید دائم در تغییر باشد و در عمل این دوگانگی ایدئولوژیک باعث کشمکش و تضاد در موارد متعدد شده است.



نگاره ۵ تخمین تعداد تقریبی کل مسلمانان در هر یک از جمهوریهای نو استقلال آسیای میانه برای سال ۲۰۰۰ میلادی



منابع:

- 1) Great Soviet Encyclopedia, A Translation of the Third Edition, Macmillan, Inc. – Newyork 1983.
- 2) Encyclopedia of Britannica, 1990.
- 3) States man yearbook, 1991 - 1992.
- 4) Lydolph, Paul E. Geography of the USSR, Newyork: John wiley and sons, 2 edition, 1970.
- 5) Historical Atlas of Hammond.
- 6) Op. cit, Lydolph.
- 7) مسلمانان شوروی: گذشته، حال و آینده: بنگسن و براکس آپ، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۴۰.
و منابع متعدد دیگر در دایرةالمعارف شوروی و بریتانیکا.
- 8) ملیتهای آسیای میانه، ابوالحسن شیرازی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۰، چاپ اول.
- 9) Boundary Bulletin, edited by Carl G - rundy Warr and Greg Englefield, International Boundaries Research Unit, U. of Durham, No. 2, July 1991, P. 18.
- 10) East, W.G., Spate, O. H. K., and C. A. Fisher, The changing Map of Asia, Methuen Co. Ltd., 1970. P. 600.
- 11) Glassner, M. I., and de Blij H. J. " Systematic Political Geography", Fourth edition, John wiley and Sons, Inc, USA, 1989.
- 12) De Blij, Harm J, and Muller, Peter O., Geography: Regions and Concepts, 4th E, 1988.
- 13) سیاست و حکومت در اتحاد شوروی (ساختار رسمی) - ترجمه علیرضا طیب، ۱۳۶۸.

توضیحات:

1)Novy Uzen

• تلفظ صحیح اُبلت اوربلت است.

2)Autonomous Republic

3)A.O.: Autonomous Oblast

4)Autonomous Rayon